

منظر پسا صنعتی، عرصه نوین معماری منظر

مروری بر
اندیشه‌ها و رویکردها



عرفان فرهمند، کارشناس
ارشد معماری منظر دانشگاه
شهید بهشتی.
e.farahmand@yahoo.com

بدین وسیله از همکاری
دفتر "پیتز لاتز و همکاران"
و همچنین دفتر "صدای
معماری" در آلمان با مجله
منظر در تهیه مصاحبه و
تصاویر پرونده این شماره
قدردانی می‌شود.

Postindustrial Landscape,
a New Field of Landscape Architecture.
Review on theories and approaches

تصویر ۱: منظر پسا صنعتی
با زبانی متفاوت از مناظر
متداول اطراف ما. جذابیت‌ها
و هویت زیبایی‌شناسانه
خاص خود را دارد. مأخذ:
<http://statics.panoramio.com>

Pic1. Presenting a distinguished language from prevalent landscapes around us, post-industrial landscapes enjoy special attractions and unique aesthetic identity. Source: <http://statics.panoramio.com>



چکیده: شهر را می‌توان به مثابه ارگانیک‌تری زنده در نظر گرفت که در حال رشد و تکامل است و در این فرایند سلول‌ها و بافت‌ها به تدریج فرسوده شده، از بین می‌روند و دوباره جایگزین می‌شوند. توسعه شتاب آلود شهرهای بزرگ و رشد بی‌رویه حومه‌نشینی در دهه‌های اخیر، سبب شده صنایع سنگینی که به دلیل کیفیات محیطی نامطلوب خود، روزگاری خارج از بافت شهری قرار داشتند، امروزه با بافت‌های جدید محاصره شوند. این مسئله به تعطیلی یا انتقال آنها منجر شده است؛ در نتیجه حفره‌های تهی در بستر شهر پدید می‌آید که به تعریف جدیدی از منظر شهری دست پیدا می‌کند. اراضی متروکه وسیع حاصل از این جابجایی در کالبد شهر که تحت عنوان عرصه‌های بازیافتی (Brownfield) نیز شناخته می‌شوند، اگرچه منشأ بروز معضلات گوناگون شهری و محیطی است، اما امروزه فرصت‌هایی طلایی در جهت احیای بافت‌های شهری و توسعه کیفیت فضاهای شهری به شمار می‌آید. لازمه بالفعل کردن این قابلیت‌ها، درک مناظر تلف شده به عنوان پسماند طبیعی حاصل از رشد شهر و بخشی از منظر فرهنگی بشر شهرنشین است. بازیافت انطباق‌پذیر چنین مناظر تلف شده، به عنوان بخش گسترده‌ای از منظر شهر معاصر، از اساسی‌ترین چالش‌های پیش روی طراحان در قرن حاضر به شمار می‌آید. پرسش اینجاست که فرایند پیدایش این مناظر پسماند در ارتباط با روند شهری شدن جوامع به چه صورت است؟ چگونه می‌توان به درک صحیحی از این پدیده دست یافت و با آن مواجه شد؟ و معماری منظر در تعامل با شهر پسا صنعتی چه رویکردهای نوینی را اتخاذ کرده است و چه جایگاهی دارد؟ این نوشتار تلاش دارد با نگاه پدیدارشناسانه به منظر پسا صنعتی و زمین‌های پسماند، رویکردهای مختلف معماری منظر در برخورد با این مناظر و میزان موفقیت هر یک از رویکردها در پاسخ‌گویی به نیازهای توسعه‌های نوین شهری را مورد نقد قرار دهد.

واژگان کلیدی: منظر پسا صنعتی، بازیافت، صنعتی‌زدایی، منظر فرهنگی، منظر شهری.



تصویر ۲: Gas Works Park
نمونه بارز از برخورد میراثی
در بازیافت سایت‌های
صنعتی متروک. مأخذ:
en.wikipedia.org

Pic2. Gas Works Park, a
clear example of monu-
mental approach in
reclamation of derelict
industrial sites. Source:
en.wikipedia.org



دوی این عوامل را تسریع کرده است (Berger, 2006: 26-45). فهم تعاملات بین منظر و روند شهری شدن، مستلزم درکی دیگرگونه از شهر به عنوان نظامی زنده، کلان و پویا و یا یک پیکره عظیم اکولوژیک متشکل از منظرهای مولد و بی‌مصرف است. مناظر تلف شده، نتیجه طبیعی فعالیت‌های مصرفی و رشد صنعتی و اقتصادی است و در واقع از شاخص‌های سلامت رشد شهری هستند؛ چرا که بر اساس قاعده طبیعت، رشد و تکامل مستلزم تولید پسماند اجتناب‌ناپذیر است.

در عین حال، با وجود اینکه سایت صنعتی مردم را جذب می‌کند و جوامع را در اطراف خود شکل می‌دهد، به محض متروک‌شدن، جمعیت‌زدایی سرطانی را در نواحی اطراف خود منتشر می‌کند و نوعی از منطقه درجه دوم و رهاشده را حول سایت باقی می‌گذارد. حتی سایت آلوده نشده صنعتی نیز، هنگامی که بسته و رها می‌شود، حفره‌های افسرده‌کننده‌ای را در کالبد مکان شهری شکل می‌دهد (بهارلو، ۱۳۸۸) که هیچ ارتباط مثبت و مطلوبی با فضای پیرامون خود برقرار نکرده و در اتصال و پیوند دادن اجزای خود درون یک کل منسجم، ناموفق و ناتوان است. از آنجا که منظر متشکل از سیستم‌های اکولوژیک، اقتصادی و اجتماعی وابسته و مشتق از تعاملات انسان با محیط زیست است، لذا فرایند متروک‌سازی و رهاسازی اراضی صنعتی می‌تواند منجر به بروز معضلات اجتماعی و فرهنگی یا جرم‌خیزی، ایجاد موانع در مقابل توسعه اقتصادی منطقه و اختلال در نظام اکولوژیک به سبب آلودگی‌های بازممانده در سایت، شود.

منظر پسا صنعتی، فرصتی طلایی در منظر شهری

اراضی پسا صنعتی با وجود شرایط نامطلوب خود، در صورت باز یافت صحیح، از یک سو می‌توانند به مثابه محرک توسعه برای بافت پیرامونی خود و از سوی دیگر امکانی برای نوسازی کلان‌شهر قلمداد شوند (کارگاه تخصصی نقش دانه‌های درشت در توسعه شهر، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه این سایت‌ها، اغلب در موقعیت‌های استراتژیک مثل مراکز شهری، نزدیکی با جوامع مسکونی، مناطق حمایت‌شده به وسیله زیرساخت‌های شهری موجود و یا سایت‌های حساس اکولوژیک مثل حاشیه رودخانه‌ها و یا بندرگاه‌ها واقع شده‌اند، علاوه بر فرصت احیای اکولوژیک منطقه، فرصت‌های باارزش و مهمی در امر بازسازی شهری (City Regeneration)، به‌ویژه توسعه‌های درون‌زا و بازکشف منابع پنهان اما فراوانی که در شهرهای ما وجود دارند، در اختیار طراحان از یک سو می‌توانند به مثابه محرک توسعه برای بافت پیرامونی خود و از سوی دیگر امکانی برای نوسازی کلان شهر قلمداد شوند قرار می‌دهند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۵۲۶-۴۹۵).

از نگاهی دیگر، این مناظر که دارای زبانی متفاوت از مناظر متداول در اطراف ما هستند، بخشی از خاطره شهرها را شکل می‌دهند و به خاطر هیبت ساختارهایشان، بخش مهمی از تاریخچه ذهنی مردم پیرامونشان است و شاخص ارزیابی هویتی این افراد از خود و محیط اطرافشان و عاملی تعیین‌کننده در ترسیم منظر ذهنی شهر به حساب می‌آیند. امروز مناظر پسا صنعتی به صورت‌های مختلف منظر شهرهای نوین پس از صنعت را شکل می‌دهند؛ مناظری که بیانگر هویت شهر و داستان تاریخ شهر و شهروندان هستند (تصاویر ۱ و ۲).

منظر پسا صنعتی به مثابه منظر فرهنگی

منظر فرهنگی گویای تکامل جامعه بشری و زیستگاه آن در گذر زمان و تحت تأثیر محدودیت‌های فیزیکی و فرصت‌هایی است که از سوی محیط طبیعی و نیروهای مداوم بیرونی یا درونی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر آن اعمال می‌شود. اگرچه منظر فرهنگی، عمدتاً به مناظری اطلاق می‌شود که با شکوه زیبایی‌شناسانه، ماهیتی نمادین از دستکاری انسان در محیط را بیان می‌کند، لیکن مناظر فراوان دیگری نیز وجود دارند که آنها نیز بخشی از میراث جهانی ما هستند و گویای مداخله اخلاقی گرایانه انسان در زمین، در گذر زمان‌اند. مناظر فرهنگی قرن ۲۱ دربردارنده مناظر گسترده پسا صنعتی جهان هستند. این اراضی به سبب منابع و ویژگی‌های طبیعی‌شان، مورد دست‌درازی بشر واقع شده‌اند و طی فرایند بهره‌وری مطلق دچار مسمومیت مهلک شده‌اند. این مناظر که برای همیشه از حالت بکر خود رانده شده‌اند، بر "ترقی" بشر گواهی می‌کنند. لذا، اگر منظر را گفتمانی مترقیانه دربارہ جامعه و فرهنگ تصور کنیم، در این صورت مداخله بشر در طبیعت، خواه خوب، بد یا زشت، لازم است به عنوان منظر فرهنگی تلقی شود. منظر در این رویکرد تحت تأثیر فرهنگ اعمال شده (که خود در حال تحول و تکامل در گذر زمان است)، دستخوش تحول شده و مراحل گذار را طی می‌کند و ممکن است در این مسیر نهایتاً به پایان چرخه توسعه و تکامل خود برسد؛ با معرفی یک فرهنگ جدید و متفاوت، بازجوان‌سازی منظر آغاز می‌شود و یا منظری جدید بر بقایای منظر کهنه، برهم‌نهدش پیدا می‌کند (Shannon, 2006: 63-71).

به کارگیری اصطلاح رایج "پسا صنعتی" (Post-Industrial) توسط معماران منظر، معماران و برنامه‌ریزان شهری، طیف وسیعی از سایت‌های آلوده یا متروک صنعتی تا ساختمان کارخانه‌های قدیمی را در برمی‌گیرد که معمولاً در بخش‌های رو به زوال شهر نیز دیده می‌شود. این اراضی باز یافتی به دلیل ویژگی‌های خاص خود و موانع ویژه نمی‌توانند در قالب‌های رایج توسعه به کارکردهای شهری بازگردند و باز یافت آنها مستلزم تدابیر ویژه در حوزه طراحی منظر، بوم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری است. البته، به کارگیری اصطلاح پسا صنعتی برای این مناظر، نباید آنها را منزوی کرده و سبب شود به صورت پسماند فرایندهایی بسیار ویژه به نظر آید که دیگر در آن سایت کاربردی ندارد. چنین بینشی این عرصه‌ها را اساساً راکد و میرا مجسم می‌کند و آنها را بیشتر بخشی از گذشته توصیف می‌داند تا اینکه بخشی از فرایندهای جاری صنعتی بیندازد که دیگر بخش‌های شهر را شکل می‌دهند (Berger, 2006: 197-217). امروزه معماری منظر به عنوان رشته‌ای که در پی آشتی انسان با بستر ساخت خود و طبیعت است، رویکردهای متنوعی را در بر خورد با مناظر پسا صنعتی، به عنوان پتانسیل‌هایی نهفته در بافت شهر، پیش گرفته است.

فرضیه

اعمال راهکارهای معماری منظر منجر به بازگرداندن سایت‌های پسا صنعتی به چرخه حیات شهری، رفع معضلات گوناگون آن و نیز خلق گونه‌ای نوین از منظر معاصر می‌شود.



مناظر تلف‌شده، از شاخص‌های سلامت رشد شهری هستند؛ چرا که بر اساس قاعده طبیعت، رشد و تکامل، مستلزم تولید پسماند اجتناب‌ناپذیر است. این مناظر که برای همیشه از حالت بکر خود رانده شده‌اند، بر "ترقی" بشر گواهی می‌کنند.

پدیدارشناسی منظر پسا صنعتی در کالبد شهر معاصر

تا قبل از انقلاب صنعتی، شکل و بافت شهرها تابعی از عوامل جغرافیایی، مسیر رودها، مسیرهای تردد بود؛ ولیکن با آغاز انقلاب صنعتی و نیاز به تأمین سوخت، استخراج مواد و حضور صنایع سنگین، دید انسان به منظر و محیط زیست خود تغییر یافت. از پیامدهای رشد صنعت در زمان انقلاب صنعتی، مسئله حومه‌نشینی و جدایی محل کار و سکونت در جهت رهایی از شرایط نامساعد و خشن شهرهای صنعتی بود که نهایتاً تغییرات عمیقی در منظر، شکل زندگی و ترکیب اجتماعی و به دنبال خود الگوهای زیستی پدید آورد (آریامن، ۱۳۸۱). لیکن طی دو دهه اخیر، از یک سو تحت تأثیر نظام سرمایه‌داری، و از سوی دیگر واکنش‌های شدید سیاسی، فرهنگی و محیطی به تبعات سلطه نظام صنعتی مدرن بر شهر و محیط زیست، اقتصاد صنعتی جهان دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده است. تحولات در نظام ساخت و تولید، گسترش روند صنعتی‌زدایی (Deindustrialization) از پیکره محیط‌های شهری، شیوه‌های جدید ارتباطات و کاهش هزینه‌های حمل و نقل، منجر به پراکندگی و تغییر مکان تولید صنعتی به نواحی حاشیه‌ای شهر و کم‌هزینه‌تر و یا حتی دیگر نقاط جهان شده است.

با در نظر داشتن شرایط شهری در قرن ۲۱، می‌توان پیدایش منظر تلف‌شده (waste landscape) را نتیجه دو عامل عمده دانست: اول، غلبه حومه‌نشینی و گسترش سطحی غیرنظام‌مند شهر (Urban Sprawl) بر رشد عمودی آن و دوم متروک کردن زمین‌ها و پسماندها در نواحی قدیمی شهرها پس از پایان نظام‌های تولیدی و اقتصادی؛ کاهش شدید هزینه‌های حمل و نقل و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی طی قرن اخیر، هر



سایت، در فرایند و محصول بازیافت مناظر پسا صنعتی نقش عمده ای ایفا می کند. رویکردهای اکولوژیک نوین در احیای مناظر پسا صنعتی عمدتاً در راستای تقویت و احیای عملکرد اکولوژیک محوطه های صنعتی از طریق قابل رؤیت نمودن فرایندهای طبیعی است. پروژه بازیافت بزرگترین سایت دفن زباله جهان در نیویورک (Fresh Kills Park)، در قالب یک سناریوی ۴۰ ساله، پالایش سایت، احیای اکوسیستم منطقه و تقویت تنوع زیستی را در سکناس های متوالی هدف قرار داده است. بدین ترتیب با فراهم آوردن منظری بزرگ مقیاس، بستری سالم برای طیف وسیعی از فرایندهای شهری پدید می آورد.

با قرارگیری دانش اکولوژی در محوریت نگرش های روز معماری منظر در دنیا، امروز شاهد به کارگیری سیاست های طراحی انطباق پذیر (Adaptive Design) در بازیافت مناظر پسا صنعتی و چارچوب نظام شهرسازی اکولوژیک هستیم. در چنین پروژه هایی، اصول طراحی و برنامه ریزی ریشه گرفته از عصر صنعتی و اندیشه قطعیت گرای دکارتی مبنی بر نظم، پیش بینی پذیری و کنترل پذیری، نفی می شود و در عوض یک نظام جامع و یکپارچه بر اساس اثرات متقابل انسان و بستر اکولوژیک شکل می گیرد و مداخلات برنامه ریزانه و اشکال طراحی به صورت سازگار و منعطف در تعامل با تغییرات محیطی ناگهانی و نامتناوب طرح ریزی می شود؛ تحولاتی که طبیعی است، اما به طور قطعی قابل پیش بینی و کنترل نیست. مفهوم انعطاف پذیری و پایداری در این نگرش به صرف بقا در یک بستر اکولوژیک خلاصه نمی شود و به معنی حفظ سلامت است که لزوماً شامل سلامت اقتصادی و اکولوژیک و نشاط فرهنگی، به عنوان اهداف طراحی و برنامه ریزی می شود. (Lister, 2010: 536-547) طرح احیای بندرگاه شهر تورنتو (Lower Don Lands) توسط گروه Stoss و نیز احیای بزرگترین سایت تولید آجر کانادا در شهر تورنتو (Evergreen Brick Works) توسط گروه DTAH، این خط مشی را پیش گرفته اند.

جمع بندی

بروز نگرش های جدید در شهرسازی و پرننگ تر شدن نقش منظر، به عنوان اساس ساختار شهرسازی و یکی از زیرساخت های حیاتی شهر در کنار معطوف شدن توجه طراحان به پتانسیل های درونی شهر برای مقابله با گسترش آشفتگی شهرنشینی، سبب شده که به جریان انداختن حیات شهری در اراضی تلف شده، به یکی از چالش های اساسی معماری منظر در عصر حاضر تبدیل شود. دانش معماری منظر نیز، همگام با محو شدن مرزهای میان دانشی، با دامنه وسیع تری از تخصص ها ارتباط برقرار کرده و سعی در ارایه راهکارهای همه جانبه، در پرداختن به عرصه های مسموم و متروک پسا صنعتی، دارد. طی سال های اخیر، جهت گیری این سیاست ها بیشتر متوجه تقویت ارزش های فرهنگ شهری و نهادهای هویتی جوامع، با محوریت دانش اکولوژی و درک شهر و فرآیندهای آن از این دریچه است ■

منابع

- آریامن، پوپه (۱۳۸۱) منظر فرصت. پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی محیط. تهران: دانشگاه تهران.
- بهارلو، معصومه (۱۳۸۸) منظر خاموش: حیات بخشی به سایت کوره های آجرپزی. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری منظر. تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۸) سیر اندیشه ها در شهرسازی (۳)، از فضا تا مکان، تهران: انتشارات شهیدی.
- کارگاه تخصصی بررسی نقش دانه های درشت در توسعه شهر (۱۳۸۶)، مجله منظر، شماره ۸، صص ۶۲-۵۵.

- Berger, A. (2006). Dross cape. *the Landscape Urbanism Reader*. Edited by Waldheim, C. NY: Princeton Architectural Press.
- Lister, N. M. (2010). Insurgent Ecologies: (Re) Claiming Ground in Landscape and Urbanism. *In Ecological Urbanism*. Edited by Mostafavi, M. & Doherty, G. Karlsruhe: Lars Muller Publishers.
- Loures, L & Panagopoulos, T. (2007). *Sustainable reclamation of industrial areas in urban landscape*. WIT Transactions on Ecology and the Environment, Vol102.
- Shannon, K. (2006). "Drosscape: The Darkside of Man's Cultural Landscape". *Topos*, 56: 63-71.
- Waldheim, C. (2006). Landscape as Urbanism. *The Landscape Urbanism Reader*. Edited by Waldheim, C. NY: Princeton Architectural Press.

در مجموع می توان مناظر پسماند را رویه تاریک و اجتناب ناپذیر منظر فرهنگی بشر تلقی کرد که این قابلیت را دارند که منظر (فرهنگی) جدیدی برای آینده باشند. این سایت ها در دیدی نوستالژیک، بیانگر تاریخ تکامل و تمدن بشر شهرنشین هستند.

تحول مفهومی منظر در عرصه های پسا صنعتی

بروز اولین نگرش ها در رابطه با احیای سایت های صنعتی متروکه، به دهه ۱۹۷۰ باز می گردد، که البته بیشتر جنبه نمایشی داشته و با هدف حفظ یادمان های قدیمی و سنتی صورت می گرفته است. پیچیده تر شدن ماشین ها و ابزار آلات صنعتی، عاملی بود برای توجه بیشتر بشر به میراث صنعتی همچون آسیاب های قدیمی و ماشین های متروک. اما با برگزاری مسابقه ای در سال ۱۹۸۲، برای طراحی پارک دولایت پاریس، که محل سابق بزرگترین کشتارگاه این شهر بود، نخستین بار پروژه هایی مطرح شدند که فرایندهای شهری را در قالب منظر آشکار ساختند؛ طرح های ارائه شده توسط «برنارد چومی» و «رم کولهاس» در این مسابقه، که با هدف طراحی پارک شهری برای قرن ۲۱ برگزار می شد، جایگاه معماری منظر را در عرصه های پسا صنعتی تثبیت کرد. این پروژه ها با جایگزینی فعالیت های برنامه ریزی شده همگانی در سایت، از منظر، نه تنها به عنوان مرهمی برای شهر بیمار پیرامون خود بلکه به عنوان واسطه های پیچیده برای بسط و تفصیل رابطه بین زیرساخت های شهری، فرایندهای شهری و قطعیت ناپذیری آینده، بهره می بردند. به این ترتیب با بازنگری و تحول در مفهوم منظر، نقش سنتی پارک در شهر دگرگون شد؛ اگر پارک های بدیع منظر (picturesque) قرن ۱۹ و پارک های شهری عصر صنعتی، در تضاد کامل با واقعیت سیاسی و ایدئولوژیک جامعه ای که آن ارزش ها را رد کرده بود، شکل می گرفتند، اما امروزه پارک های پسا صنعتی بیانی همسو با جامعه ای دارد که در حال کنار آمدن با گذشته صنعتی خود است و جریانی سیال از جامعه شهری پیرامون خود را بروز می دهد. با آغاز این حرکت معماران منظر طی سه دهه اخیر اندیشه های خود را در سایت های پسا صنعتی آزموده اند. با مروری بر تجارب این عرصه نوظهور معماری منظر، سه رویکرد عمده در برخورد با سایت های پسا صنعتی قابل بازشناسی است: رویکرد میراثی منظر، رویکرد اجتماعی و فرهنگی و رویکرد محیطی و اکولوژیک؛ (Loures & Panagopoulos, 2007) در عین حال در اغلب سایت های پسا صنعتی، این لایه های منظرین به طور همزمان و در نظامی سلسله مراتبی بر سایت اعمال می شوند که نهایتاً منجر به برجسته تر شدن یکی از این رویکردها می شود.

حضور معماری منظر در برخی سایت های پسا صنعتی با محوریت تجلیل از میراث صنعتی صورت گرفته است؛ با نگاهی سمبلیک به عناصر صنعتی موجود در سایت فرایند دمیدن روح مکان به خاطرات صنعتی گذشته آن صورت می گیرد. در پارک دویسبورگ نورد (Duisburg Nord) که از برجسته ترین پروژه ها با این رویکرد است، با درهم آمیختن لایه طبیعت و باغ با لایه صنعتی، گونه ای نوین از منظر فرهنگی خلق شده است. همچنین از متقدم ترین پروژه ها با این رویکرد، می توان (Gas Works Park) شهر سیاتل را نام برد (تصویر ۲). در این پروژه ها با نگاهی خلاقانه به ساختارهای خشن صنعتی موجود در سایت، از جذابیت های نهفته و هویت زیبایی شناسانه آنها، در جهت به نمایش گذاشتن ارزش های فرهنگی و هنری استفاده می شود. اگرچه این نگرش همواره در بسیاری از پروژه های پسا صنعتی تداوم داشته، اما با توجه به گسترده تر شدن حیطه های دخالت منظر و پیچیده تر شدن عوامل اثرگذار بر آن، با شروع قرن ۲۱ رویکردهای دیگری نیز در این سایت ها دخیل شده است.

با توجه به اینکه بسیاری از سایت های پسا صنعتی لکه های وسیع حفاظت شده ای در بافت های قدیمی شهرها هستند، قابلیت های ویژه ای برای رونق فرایندهای شهری و تخفیف کمبودهای اجتماعی و فرهنگی در بافت پیرامون خود دارند. لذا در برخی پروژه های باززنده سازی، در کنار دیگر معیارهای توسعه پایدار، بر هویت اجتماعی این سایت ها تأکید شده است. از موفق ترین پروژه های منظر با این رویکرد، می توان به طرح احیای فرودگاه نظامی متروکه شهر تورنتو (Downsview Park) اشاره کرد. برنامه ریزی این سایت که در ارتباط با قطب تجاری شهر واقع شده، به گونه ای صورت گرفته که علاوه بر اینکه یک لکه سبز شهری بزرگ پدید می آورد، دارای قطعه بندی هایی با عملکردهای چندگانه است؛ بدین ترتیب یک سایت پسا صنعتی به مثابه یک صحنه نمایش، تغییر چهره داده و فعالیت های گوناگون شهری و فراغتی از قبیل کنسرت ها و نمایشگاه ها، در این صحنه ظاهر شده و محو می شوند. در چنین رویکردی، سایت در کنار ماهیت پسا صنعتی خود، عرصه ای برای تقویت و بروز کیفیت های فرهنگ شهری ارایه می دهد.

اغلب محوطه های صنعتی متروکه، به دلیل وجود آلودگی های شیمیایی و پسماندها، محیط های اکولوژیک آسیب دیده ای دارند. لذا گاه فرایند پالایش محیط و احیای اکولوژیک